



میرزا کوچاگر خان چنگل



میرزا حسن خان و لوق (و لوق الدوله)

با آتش‌گشائی به روی بندر انزلی ، از درافکن‌های ما قدرت رزمی خود را در نزدیکیهای رشت به معرض نمایش گذاشتند و باعث شدند که یک سواران انگلیسی بیدرتکب برای مقابله با ما به رشت فرستاده شود.

درست مشرق انزلی ، تقریباً به مسافت نه‌میل از تأسیسات بندری ، نیروئی پیاده کردیم که توانست ارتباط قوای بریتانیا را با رشت بکلی قطع کند . موقعی که قوای انگلیس به خود باز آمدند دیدند کاملاً محاصره شده و به تله افتاده‌اند . در پلو امر کوشیدند تا مقاومتی از خود نشان دهند و دو گروهان توپخانه برای دفع حملات ما اعزام داشتند . اما پس از آنکه توپهای دریائی ما که از عرشه کشتی شلیک می‌کردند آتش مختصری به روی آنها گشودند نظم صفوف انگلیسیها بهم خورد و شروع به عقب نشینی کردند سپس موقعی که احساس کردند امید نجاتی نیست تنی چند از افسران خود را با پرچم سفید پیش من فرستادند و تقاضای آتش‌بس کردند.

به فرستادگان آنها ابلاغ کردم نخستین شرط موافقت ما با تقاضای آتش‌بس این است که فرمانده نورپرفورث (ژنرال چمپین) بندر انزلی را بیدرتکب به ما تسلیم کند زیرا تعداد زیادی کشتیهای جنگی و باربری در اسکله آن لنگر انداخته‌اند . نیز اتبارهای نظامی بر ازمهمات واسلحه (همگی متعلق به رژیم حاکم روسیه) در این بندر قرار دارند.

درباره آتیه خود بندر انزلی ، به فرستادگان ژنرال چمپین گفتم که تعیین تکلیف این گونه مسائل از عهده من خارج است و باید از مجرای مذاکرات سیاسی میان دولت انقلابی روسیه و حکومت انگلستان حل گردد . آنها عین التیماتوم مرا به فرماندهشان (ژنرال چمپین) رساندند . فرمانده مزبور دو ساعت اضافی مهلت خواست و در توجیه تقاضای خود دلیل آورد که در غیر این صورت نمی‌تواند پاسخی سریع از حکومت ایران دریافت کند و اضافه کرد که علاوه بر مسئولیتی که برای حفظ منافع بریتانیا دارد حافظ منافع حکومت ایران هم هست .

یکی دو ساعت پس از مبادله این پیامها ، حاکم انزلی وارد عرشه ناو فرماندهی شد و اظهار داشت که آمده است تا از جانب حکومت ایران ورود ناوگان سرخ را به بندر انزلی تبریک و خیر مقدم بگوید . در طی مذاکراتی که انجام گرفت وی با تخلیه بندر انزلی و تسلیم آن به ما موافقت کرد.

از آنجا که انگلیسیها نتوانستند پیش از غروب آفتاب پاسخ موعود را از تهران دریافت و مضمون آن را اعلام کنند ، به فرمانده نورپرفورث (ژنرال چمپین) پیشنهاد کردم به این شرط حاضریم با خروج مسالمت‌آمیز قوای بریتانیا از انزلی موافقت کنیم که تمام آن ذخایر خواربار و مهمات را که در اختیار قوای دنیکن بوده و اینک به تصرف آنها درآمده است

همه را تسلیم من کنند. البته خودم می دانستم که انگلیسیها بخش مهمی از این ذخایر را از شهر خارج کرده و به نقاط دوردست فرستاده اند ولی من باقیمانده آن ذخایر را می خواستم که هنوز دست نخورده در انزلی مانده بود. ژنرال چمپین درخواست مرا پذیرفت و قول رسمی داد تمام آن ذخایر خواربار و مهمات جنگی را که ژنرال دنیکین با خود به انزلی آورده بود همه را سالم و بی عیب تحویل من بدهد. اندکی پس از این قول و قرار سربازان هندی که جزء نفرات نورپرفورث بودند ۳۵ توپ دریائی آوردند و تحویل قوای ما دادند.

پس از تحویل گرفتن این مهمات، بدسربازان انگلیسی اجازه دادم بندر انزلی را بی آنکه از پشت سر مورد حمله آتشبارهای ما قرار گیرند تخلیه کنند مشروط بر اینکه روسهای سفید را همراه خود از شهر بیرون ببرند. موقعی که قوای بریتانیا مشغول تخلیه انزلی و خروج از شهر بودند صفوف آنها را با کمال دقت می پائیدیم که میادا قول خود را بشکنند و سربازان دنیکین را نیز همراه خود ببرند.

روحیه قوای بریتانیا ( مرکب از سربازان انگلیسی، ترک، و هندی ) فوق العاده ضعیف و مغلوب بود و خود را کاملاً باخته بودند. به همین دلیل، موقعی که راه رشت را به روی آنها باز کردیم مثل اینکه انتظار چنین فرجی را اصلاً نداشتند در امتداد جاده رشت شروع به دویدن کردند تا هر چه زودتر از تیررس توپهای ما خارج شوند. فرماندهان انگلیسی پیش از آنکه انزلی را تخلیه کنند به اهالی شهر اطمینان داده بودند که این عقب نشینی موقتی است و بزودی همراه یکصد هزار سواهی به آنجا باز خواهند گشت و شهر را دوباره خواهند گرفت. اما اهالی انزلی که فرار این «مدعیان خودستا» و تحویل کلیه مخازن خواربار و مهمات را با دو چشم خود دیده بودند تقاضای بی اساس آنها را به ریشخند گرفتند و کلمه ای از حرفهایشان را باور نکردند. پیش از آنکه آخرین دسته های قوای بریتانیا بندر انزلی را ترک کنند قوای ما از کشتهها پیاده شدند و شهر را اشغال کردند. دو طرف تمام خیابانهای شهر برای خیر مقدم گفتن به ارتش سرخ از جمعیت لبریز بود و پرچمهای سرخ بر فراز تمام عمارت های شهر موج می زد.

از لحظه ای که قدم بد خاک انزلی گذاشتیم اعلام کردیم که به هیچ وجه قصد دخالت در

۱ - انگلیسیها مع الوصف موفق شدند ژنرال دنیکین و تعداد زیادی از افسران و نفرات متعلق به تیورهای روس سفید را از انزلی خارج سازند. خود دنیکین بعداً از راه بندر به اروپا رفت. مترجم

امور داخلی ایران را نداریم. حاکم ایرانی بتلو و رؤسای دوایر دولتی از ما به عنوان نجات‌دهندگان شهرشان از زنجیر رقیب بریتانیا استقبال کردند و یاصدای بلند به‌امستمارگران انگلیسی لعن و نفرین می‌فرستادند.

در انزلی جوایز و غنائیم بزرگی نصیبمان شد. کلیه کشتیهای متعلق به دنیکنین مرکب از ناوچه‌های مسلح و کشتیهای باربری که انگلیسیها همه‌شان را با توپ و آتشبار مسلح کرده بودند بی‌کم‌وکسر به‌دستمان افتاد. علاوه بر این غنائیم گرانبها، متجاوز از پنجاه توپ دریائی، بیست هزار خمپاره توپ، یکصد و شصت هزار پوپ پنبه (که ژنرال دنیکنین آنها را از کراسنودسک به‌انزلی آورده و به کشورهای متحد آمریکا پیشفروش کرده بود) هشت هزار پوپ مس، بیست و پنج هزار پوپ ریل آهن، چهل دستگاه اتومبیل، متجاوز از بیست دستگاه بی‌سیم دریائی، سه دستگاه بی‌سیم زمینی، شش فروند هواپیمای هیدروژنی، و چهار دستگاه ناوشکن.

اینها غنائیم اصلی بودند. اما غنائیم فرعی به‌حدی زیاد بود که سپردن ارقام دقیق آنها به‌خاطر امکان نداشت. در حال حاضر همه این مهمات و ذخایر نظامی را به‌باد کوبه و حاج طرخان منتقل کرده‌ایم.

پس از اشغال انزلی سرمذاکرات را با میرزا کوچک‌خان باز و او را تشویق کردیم که به سوی رشت پیشروی کند و آنجا را بگیرد. به محض اینکه این خبر به گوش سربازان انگلیسی که در رشت متمرکز شده بودند رسید باشتاب و عجله از شهر گریختند و تا بغداد حتی به‌پشت سر خود هم نگاه نکردند.<sup>۲</sup>

۱- صورنی که ملك الشراء چهار از غنائیم بدست آمده در کتابش ذکر کرده تا حدی با سیاهه راسکالینکف فرق دارد. در جزء این غنائیم (بتا به نوشته بهار) ۳۵۰ خروار غل هم بوده است که کمی افراق آمیز به نظر می‌رسد. (بنگرید به ص ۴۹ در کتاب تاریخ احزاب سیاسی، جلد اول).

۲- قسمت اخیر اظهارات راسکالینکف که «... انگلیسیها فرار کردند و تا بغداد به پشت سرشان تنگریستند» درست نیست زیرا قوای که انزلی را تخلیه کرد طبق تصمیمی که سه ماه پیشتر گرفته شده بود به سوی تنگه منجیل عقب نشست و مواضع جدید خود را در این محل ترتیب داد.

این نیرو از مرکز ستاد خود در قزوین با موفقیت تمام جلو حمله قوای سرخ را به تهران گرفت و به دولت مرکزی فرصت داد تا تصمیمات لازم را برای حفظ موجودیت خود اتخاذ کند. مترجم

میرزا کوچک خان زمانی ملا بوده است ولی بعدها... کلاه نمدی بسر گذاشت...  
تفنگ بدست گرفت.

کوچک خان یک فرد انقلابی ایده آلیست است. از دیدگاه وی رهبر انقلابی می تواند  
با مالکان و تجار ثروتمند برای برانداختن حکومت بورژواها همکاری کند و سپس در موقع  
مناسب املاک همان ثروتمندان را از دستشان بگیرد و میان مستمندان و بی چیزان تقسیم  
کند. خودش هیچ مایل نیست او را میرزا کوچک خان بنامند چون خان لقب مخصوص خانها  
و فتودانهای استعمارگر ایران است. او ترجیح می دهد مردم گیلان فقط میرزا کوچک  
خطابش کنند.

حکومت میرزا کوچک یک حکومت انقلابی است و در داخل آن مردانی هستند که  
مثل خود وی سالها برای آزاد کردن ایران از چنگال بیگانگان جنگیده اند. در میان همکاران  
نزدیک وی کسی که بیش از همه تمایلات کمونیستی دارد رفیق احسان الله است که در حال  
حاضر فرمانده نیروهای انقلابی گیلان و عضو شورای انقلاب این ایالت است. خود حکومت  
در تماس نزدیک با حزب کمونیست ایران (مستقر در بادکوبه) کار می کند. کوچک خان  
احساسات بسیار مساعد نسبت به روسیه شوروی دارد. موقمی که خاک ایران را ترک می کردم  
مخصوصاً از من خواست درودها و تهنیت های صمیمانه او را به رفیق لنین برسانم و بگویم  
که وی از مریدان پا برجای اوست و رشته اتحادی که میان روسیه شوروی و حکومت  
انقلابی گیلان بوجود آمده گسست ناپذیر است. ۱۰

۱- بخشی از مصاحبه فودور اسکالینسکی (فرمانده ناوگان سرخ) با خبرنگار روزنامه  
پلروگرادسکیا پراودا پس از بازگشت از مأموریت اشغال آنزلی.

بتکرید به شماره ۱۵ ژوئیه ۱۹۲۰ این روزنامه - ص اول

## ضمیمه شماره ۲

### اسامی اعضای کابینه التلاقی در حکومت سوسیالیستی گیلان

نخستین ملاقات میان میرزا کوچک خان و فرمانده ناوگان سرخ (راسکالینکف) در عرشه کشتی کورسک صورت گرفت. از طرف شورویها علاوه بر فرمانده مزبور، سرگی-ارژنیکویزه (کمیسر عالی کمونیستها در قفقاز) و جمعی از سران فرقه عدالت (= حزب کمونیست یادکوبه) نیز شرکت داشتند اعضای هیئت نمایندگی جنگل را (علاوه بر خود میرزا) حسن آلیانی، سعادت الله درویش، میر صالح مظفرزاده، گئورگ آلسانی (که نام ایرانی هوشنگ را انتخاب کرده بود) و اسمعیل جنگلی تشکیل می دادند.

پس از مذاکرات مفصل درباره سرام و مسلك حكومت آتی گیلان که در آن قبلا با نظر میرزا مخالفت شد، سرانجام پس از ورود ارژنیکویزه و ملحق شدنش به جمع مذاکره کنندگان، و تقویتی که شخصاً از میرزا به عمل آورد (زیرا این دو نفر از همان زمان انقلاب مشروطیت همدیگر را می شناختند) درباره نکات زیر توافق حاصل شد:

۱- اجرای اصول کمونیسم در شرایط کنونی ایران مقدور نیست و لذا باید از مصادره اموال مردم و الغاء مالکیت آنها جلوگیری بعمل آید و تبلیغات کمونیستی نیز موقوف شود.

۲- طریقین موافقت کردند که جمهوری انقلابی موقت در گیلان تاسیس گردد.

۳- توافق شد که پس از تصرف تهران و تاسیس مجلس مؤسسان، حکومت انقلابی گیلان متحل و هر نوع حکومتی که خواسته اکثریت مردم ایران باشد جایگزین حکومت موقتی گردد.

۴- شورویها قول دادند که سر نوشت انقلاب ایران را بدست حکومت جدید التاسیس بسپارند و هیچ گونه مداخله در امور داخلی ایران نکنند.

۵- توافق شد که فقط دوهزار تن از سربازان ارتش سرخ، آنها هم به طور موقت، در خاک ایران باقی بمانند و زیاده بر این حد هیچ گونه قوا و نفرات دیگر وارد خاک ایران

نشوند. نیز قرار شد که مخارج نگهداری این نیروی دوهزار نفری به عهد جمهوری آینده ایران باشد.

۶- دولت شوروی متعهد شد هر مقدار اسلحه و جنگ افزار که حکومت جدید ایران لازم داشته باشد در اختیارشان قرار دهد.

۷- شورویها قبول کردند که کالاهای بازرگانی ایران که در بادکوبه ضبط شده بایست به صورتیکه به جمهوری گیلان مسترد و کلیه مؤسسات تجاری روسیه در ایران به حکومت آینده ایران واگذار گردد.

\*\*\*

جنبش جنگل این امتیاز عمده را در پیشگاه تاریخ ایران دارد که به عکس نهضت تجزیه طلبی آذربایجان که بیست و پنج سال بعد تحت ریاست پشهوری در تبریز بوجود آمد، پیدایش خود را به هیچ وجه منتهون سر نیزه روسها نبوده است. آنروز که واسکالینکف در رأس قوای سرخ وارد انزلی شد میرزا کوچکخان برای خود در گیلان قدرتی بود و به همین دلیل کمونیستهای سرقه عدالت (اعضای حزب کمونیست آذربایجان روس) که همراه واسکالینکف به انزلی آمده بودند تصمیم گرفتند میرزا را با خود همراه و از نفوذ و قدرت محلی اش به نفع خود بهره برداری کنند. میرزا کوچکخان رهبری بود ملی، انقلابی، مذهبی، متدین، نمازخوان (که هیچ کاری را بدون استخاره انجام نمی داد) و بسیار خوش نیت و زودباور که از پیچ و خم های سیاست بین السلی، و از زبردستی و مهارت کمونیستها برای قبضه کردن قدرت، سردر نمی آورد و به همین دلیل خیلی زود به دام مهرانه آنها در ایران افتاد و برای مدت کوتاهی آلت دست سیاستهای بالشویزم در ایالات شمالی کشور شد.

جریمان همکاری وی با مقامات اشغالگر شوروی، به هوش آمدن و فهمیدنش که آلت دست شده، بریدنش از اعضای کمونیست شورای انقلاب گیلان، و بازگشت مجددش به جنگل، داستانی است منهل که شرحش را نباید در ماخذ معتبر نهضت گیلان منجمله در اثر تقیس و مستند آقای ابراهیم فخرائی تحت عنوان سردار جنگل خواند.

در نخستین کابینه ائتلافی که پس از تأسیس جمهوری سوسیالیستی گیلان تشکیل شد میرزا کوچکخان هم نخست وزیر بود و هم وزیر جنگ. بقیه اعضای کابینه عبارت بودند از:

میر شمس الدین وقاری (وقار السلطنه) وزیر

سید جمشید محسنی وزیر خارجه

محمدعلی پیر بازاری وزیر

وزیر	محمود آقا (محمود رضا)*
وزیر پست و تلگراف و تلفن	آقا نصرالله (نصرالله رضا)*
وزیر فوائد عامه	محمدعلی خماسی
وزیر و اوقاف	حاج محمد جعفر کنکاوری
وزیر	ابوالقاسم لخرائی

۵- این دو نفر فرزندان حاج آقا رضا مجتهد رشتی بودند که بعدها نام خانوادگی رضارا برای خود انتخاب کردند و به همین نام مشهور شدند.



## ضمیمه شماره ۳

### خارج شدن میرزا کوچک خان از حکومت ائتلافی گیلان و نامه‌ای که در توجیه عمل خود به نین نوشت

تقریباً از همان آغاز کار اختلافات شدید مسلکی و مرامی میان میرزا کوچک خان و اعضای تندرو شورای انقلاب گیلان به ظهور پیوست. کمونیست‌ها می‌خواستند تمام رؤسای دوایر دولتی را اعدام کنند ولی میرزا کوچک خان با این عمل مخالف بود. دکتر عیسی صدیق (رئیس فرهنگ آنروزی گیلان) در خاطرات خود دقیقی را که سرنوشت وی و همکارانش به‌تار موئی بسته بوده است چنین شرح می‌دهد:

«... در میان بازداشت شدگان غیر از خود من، معین صدرالاشرف (رئیس استیناف گیلان) رکن‌الدین مختاری (رئیس شهربانی رشت) و معین اتابکی (پیشکار دارائی) نیز بودند. بامدادان شنیده شد که تمام شب راجع به سرنوشت رؤسای ادارات بحث بسیار شدید و گفتگوهای طولانی جریان داشته است. افسران روسی و بالشویکها معتقد بودند که رؤسای مزبور همان شب باید اعدام شوند تا در تمام مملکت رعب و هراس ایجاد گردد و فتح و تصرف شهرهای ایران با مقاومت روبرو نشود. اما میرزا کوچک خان حرف این‌ها را رد کرده و گفته بوده است که رؤسای ادارات هموطنان من هستند و بدون سبب نباید مزاحم آنان شد. اگر تقصیری کرده‌اند باید آنها را محاکمه و طبق رأی دادگاه عمل کرد والا بدون دلیل من و همراگانم هرگز اجازه نخواهیم داد به آنان آسیبی برسد. بالاخره من وطن پرستی، قدرت عقاید دینی، و ایستادگی سخت میرزا کوچک خان و تهدیداتی که کرده بود مانع از اجرای نقشه شوم بالشویکها (در شورای انقلاب) شده و جان همه‌مارا نجات داده بود.»

خاطرات صدرالاشرف (ص ۲۵۴) تمام این حرفها را مو ب‌مو تائید می‌کند.

پس از تصفیه ادارات دولتی نوبت پسادگان رشت رسید. سحرگاه روز سه‌شنبه ۲۵

خرداد ۱۲۹۹ بالشویکهای مسلح محلی که از طرف سربازان ارتش سرخ حمایت می‌شدند غفلتاً به سربازخانه ریختند و پس از چند ساعت جنگ متوالی که در ضمن آن تریب هفتاد تن از سربازان شجاع ایرانی شهید شدند قزاقخانه رشت به تصرف کمونیستها و پیروان مسلح میرزا درآمد. فرماندهان آن جنگی توقیف شدند. در اینجا هم باز میرزا کوچک خان بود که به داد توقیف شدگان رسید و همه آنها را از مجازات اعدام نجات داد. بامتلاشی شدن تشکیلات قزاقخانه رشت، ستونهای نظامی دولت جدید گیلان به کلیه نقاط شمال کشور (بالاخص مازندران) اعزام شدند تا سرتاسر ایالات شمالی را اشغال کنند و قدرت حکومت مرکزی را از این نقاط براندازند. اغلب این کارها - اعزام قوای نظامی به مازندران و سرکوبی نیروهای دولتی - متأسفانه با قوای نظر میرزا کوچک خان انجام گرفت زیرا آن بیچاره (لااقل در این مرحله) خیر نداشت که کمونیستها چه خواب شومی برایش دیده‌اند.

در این ضمن کمونیستهای مسلح غیر نظامی اتصالاً از بادکوبه به انزلی ورشت سرازیر می‌شدند. در عرض این روزها یک کشتی حمل و نقل دائماً میان بادکوبه و انزلی رفت و آمد داشت و کمونیستهای آذربایجان شوروی را لاینقطع در سواحل گیلان و مازندران پیاده می‌کرد. خالوتربان کرد در رأس عده‌ای از این کمونیستها در انزلی پیاده شد. پشت سر آنها تریب ۷۰ تن دیگر در فرح‌آباد و بندرگز پیاده شدند و به سوی بابل و بابلسر حرکت کردند.

مشیرالدوله (میرزا حسن خان پهنیا) که در این تاریخ به جای وثوق‌الدوله نخست وزیر ایران شده بود سردار قاهر حکمت را که شهرت آزادیخواهی داشت برای اصلاح‌غائله گیلان نزد میرزا کوچک خان فرستاد و میرزا هم که از سابق با مرام کمونیستها مخالف بود و از پیشرفتهای اخیر آنها در شمال کشور متوجش شده بود اعتماد و وفاداری خود را نسبت به مشیرالدوله ابراز و برای رفع نگرانی وی از ورود ۷۰ تن دیگر از کمونیستهای بادکوبه که با کشتی به انزلی می‌آمدند جلوگیری کرد. این عمل مبین پرستانه میرزا، مخالفت احسان‌الله‌خان را که مایل به همکاری هرچه بیشتر با کمونیستها بود برانگیخت. از آنجا که اختلاف این دو نفر دامنه‌دار بود و هیچ کدام حاضر نمی‌شد از موضع خود عدول کند میرزا کوچک خان روابط خود را با کمونیستهای رشت قطع کرد و عازم قومن شد تا دوباره به پیروان خود در جنگل پیوندد. اما پیش از ترک رشت بیانیهای صادر و رسماً اعلام کرد مادام که اعضای فرقه عدالت بادکوبه بساط حزبی و تبلیغاتی خود را از خطه گیلان برنچله‌اند، مادام که تبلیغات مسلکی آنها توأم با توهین به مقدسات ملی و مذهبی ایرانیان قطع نشده

است، وی (میرزا) بهرشت باز نخواهد گشت. همزمان با صدور این اعلامیه، نامه تاریخی زیر را نیز به لندن نوشت که بهترین معرف اوضاع آنروزی گیلان و حاکی از اختلاف نظر شلید میرزا با کمونیستهای فرقه عدالت بادکوبه است.

نامه چنین شروع می شود:

### بعدالعنوان

در این موقع که قشون فاتح کارگران و دهقانان روسیه دشمنانشان را شکست داده و مظفرانه به قلب لهستان پیش می روند و نیروهای سرمایه داری انگلستان در برابر قوای متحد روس و ایران عقب می نشینند، بسیار متامفم که باید از کارکناره گیری کتم ولی پیش از اتمام به این عمل می خواهم مطلبی را متذکر شوم که گرچه ملال آور است لیکن از ذکرش خودداری نمی توان نمود زیرا که در ایران و در جلو چشم خود ما صورت گرفته است.

پیش از ورود قشون سرخ به انزلی من و همکارانم در جنگلهای گیلان بر ضد مقالسم انگلیس و احبقات دولت سرمایه داری ایران می جنگیدیم و تنها قدرت واقعی و ذیصلاح ما بودیم که توانستیم کروی را که دیگران مافوق تصور می شمردند به انجام برسانیم به این معنی که پرچم سرخ انقلابی را در خاک کشورمان برافرازیم و آرزوی آزاد شدنمان را از قید رقت سرمایه داری به تمام جهانیان اعلام کنیم.

موقعی که قوای سرخ در خاک ایران پیاده شدند من بوسیله فرمانده کشتیهای جنگی بحر خزر (رفیق راسکالینکف) و نماینده کمیته اجرایی مرکزی حزب اشتراکی روسیه (رفیق ارژوونیکیدیزه) اطمینان کامل خود را نسبت به قشون سرخ ابراز کردم و قرار شد قشون مزبور در خاک ایران بماند و برای تسریع قشون سرخ ایران که هنوز آماده جنگ نشده است به ماکمک کند. از این هم فراتر رفتم و اعلام کردم که حاضریم دست اتحاد به شما بدهم و ملت ایران و دیگر ملل آسیا را برای تحصیل آزادی و جنگ در این راه آماده سازم.

ملت ایران بلاشک از صدور اعلامیه رفیق چیچیرین (وزیر خارجه حکومت شوروی) در ماه ژوئیه ۱۹۱۸ که هم نماینده سیاسی دولت شوروی در طهران (رفیق براوین) و هم فرمانده سفاین بحر خزر (رفیق راسکالینکف) آن را تأیید می کردند بینهایت خوشوقت بود و انعقاد پیمان جدیدی را لازم نمی شمرد.

تبلیغات اشتراکی (کمونیستی) در ایران عملاتی بی سود می بخشد زیرا مبلغان کمونیست

آرشناسانی افکار ، روحیات ، و تمایلات ملت‌ایران عاجزند. من همان وقت به نمایندگان شما گفتم که ملت ایران حاضر نیست مسلک و روش بالشویزم را قبول کند زیرا این کار شدنی نیست و تنها نتیجه‌اش سوق دادن ملت ایران به آشوش دشمن است.

نمایندگان شما صحت حرفهای مرا تصدیق و اذسیاستی که نشان دادم پیروی کردند زیرا تشخیص دادند که فقط با اتخاذ این سیاست است که می‌توانند ما را دروصول به مقاصدمان درشرق کمک کنند. نیز هر دوی آنها متوجه شدند که فقط از طریق اجرای این سیاست است که می‌توان تسلط انگلستان را ازشرق دور کرد و نفوذ سلطنت را ازین برد.

پس از این قبول و قرارها بود که من و یاران جنگلی‌ام به شهر آمده حکومت سوسیالیستی گیلان را تشکیل دادیم و پرچم انقلاب سرخ را برافراشتیم. لیکن موفقیت ما تا روزی بود که رفیق راسکالینکف درایران حضور داشت و به محض عزیمت او به مسکو عقیده‌ها برگشت و نظر نمایندگان روسیه به همان شکل اول ظاهر شد و نتایج سوئی بار آورد که اهم آنها عبارتند از :

۱- دولت آذربایجان شوروی علی‌رغم اعتراضات مکرر جمهوری گیلان و بدون داشتن کمترین حقی دراین باره، تمام کالاهای بازرگان ایرانی را ضبط کرده است و ازاسترداد آنها به صاحبانشان مضایقه می‌کند. در صورتی که قبلاً قول داده بودند تمام این کالاها را برای رفع حوایج قشون سرخ ایران به ملت ایران بازگردانند و حتی اطمینان داده بودند که چنانچه اجناس و مال‌التجاره‌های مزبور به مصرف رسیده باشند عوض آن را اجناس و مال‌التجاره‌های دیگر به ما بدهند ولی دولت سوسیالیستی آذربایجان همه آن کالاها را به عنوان گرو نگاهداشته و می‌گوید تا قراردادی را که آنها پیشنهاد می‌کنند امضاء نکنیم کالاهای ضبط شده مسترد نخواهد شد.

۲- دولت آذربایجان شوروی حکمی صادر کرده است که بموجب آن تمام اتباع ایرانی مقیم قفقاز باید کسب و کار خود را رها کرده و به ایران بازگردند.

۳- قرارداد ما با نمایندگان روسیه شوروی این بود که مسلک اشتراکی (= مرام کمونیستی) میان اهالی ایران تبلیغ نشود ولی رفیق آیوکف که خود را گاهی نماینده دولت مرکزی روسیه و گاهی نماینده فرقه عدالت (= حزب کمونیست بادکوبه) معرفی می‌کنند با چندتن از بالشویکهای ایرانی که از روسیه آمده‌اند و از اخلاق و عادات و روحیات ملت ایران بکلی بی اطلاعند همست شده ، با دادن میتینگ و نشر اعلامیه در کارهای داخلی حکومت گیلان مداخله می‌کنند ، باعث از بین رفتن عظم و احترام این حکومت در چشم مردم ایران شده‌اند ، و با همین عمل خود نیروهای نظامی انگلستان را در ایران تقویت

می‌کنند. به این هم قانع نیستند بلکه من و رفقایم را آلت دست سرمایه‌داران معرفی کرده و کار انقلاب را به تخریب کشته‌اند.

۵- فرمانده نیروی سرخ در ایران (رفیق کاژانف) طبق دستور تلگرافی رفیق تروتسکی (وزیر جنگ حکومت شوروی) تحت اوامر جمهوری گیلان قرار گرفت و حتی، طبق همان دستور، برای اینکه بتواند عضو شورای انقلاب گیلان بشود تابعیت ایران را نیز قبول کرد. اما اقامتش در ایران متأسفانه دیری نپایید و در نتیجه اقدامات آیوگف که می‌خواست جای او را در شورای انقلاب بگیرد از ایران احضار شد و به روسیه برگشت.

### رفیق لنین

ما نمی‌توانیم افتخارات انقلابی خود را که طی چهارده سال کوشش و فداکاری بدست آورده‌ایم یکباره از دست بدهیم و به حقوق ملت خیانت ورزیم. من اکنون که این نامه را به شخص شما می‌نویسم در آستان خروج از رشت و ملحق شدن به یاران مبارزم در جنگل هستم. در آنجا به انتظار دریافت پاسخ این نامه خواهم نشست و ناموقی که پیشنهادها و نظراتم (که ذیلاً ذکر می‌شود) عملی نشود دیگر به رشت باز نخواهم گشت. خواسته‌های من عبارتند از:

- ۱- ایفای قولهای سابق دولت شوروی به ملت آزاد ایران و ارسال دستورهای اکید به مأموران حکومت آذربایجان شوروی در ایران که مفاد اعلامیه رفیق چهچیرین را رعایت نموده و در امور داخلی ایران دخالت نوزند.
- ۲- شناختن اختیارات جمهوری گیلان و تطبیق شیوه کار مأموران شوروی در ایران با این اختیارات.
- ۳- رد اموال و دارائی‌های اتباع ایران که در آذربایجان شوروی مصادره شده است.

۴- احضار آیوگف و اعزام مجدد رفیق کاژانف زیرا وجود شخص اخیر در ایران به علت تخصص نظامی که دارد حائز منتهای اهمیت است.

در پایان این نامه نظر شما را به مسئله دیگری جلب می‌کنم و آن این است که ملت ایران در گذشته از دست مأموران حکومت استبدادی ظلمها و تعدیات زیاد دیده و قلباً از همه آنها بیزار است. ازین بردن استبداد شاه عملی است انجام پذیر ولی خفه کردن احساسات ملت ایران امری است محال. تاریخ گذشته این محنت نشان می‌دهد که کشورهای بیگانه و یادی خارجی بارها در کشور ما نفوذ کرده‌اند اما همین که خواسته‌اند احساسات ملی و روح آزاد منشی ایران را سرکوب کنند مساعی‌شان عقیم مانده. این روحیه امروز قویتر از پیش است

زیرا ملت ایران لذت آزادی را خوب درک کرده است و معجزهٔ مکردهٔش از این نعمت غیر قابل تصور است.

همان طوری که قبلاً نیز اعلام کردم تارسیدن جواب این نامه به رشت باز نخواهم گشت و برای اطمینان از اینکه نامه ام حتماً بدستتان برسد آن را توسط دو تن از یاران موثق میر صالح مظفرزاده و هوشنگ خلعتیان می فرستم .

#### محل امضاء : کوچک

[ یقیناً مدیر روزنامه ایران کنونی که با جریانهای این دوره تماس و آشنائی بسیار نزدیک داشته در شماره ۱۷۱ این روزنامه می نویسد که نامه میرزا کوچک خان توسط چیچیرین (وزیر خارجه شوروی) تسلیم لندن شد ولی به نتیجه ای که انتظار می رفت نینجامید. مقامات مسئول شوروی جواب دادند که اتخاذ تصمیم قطعی درباره مطالبی که در این نامه آمده جنبه فوریت ندارد و باید به آینده موکول گردد. ]

کودتای سرخ در گیلان و اسامی اعضای کابینه احسان الله خان

میرزا کوچک خان بسیار بموقع از رشت خارج شد زیرا اعضای فرقه عدالت بادکوبه و هم مسلکان گیلانی آنها که اکنون زمامدار حقیقی ایالت گیلان شده بودند جداً خیال ازین بردنش را داشتند و اگر اندکی دیر می کرد به احتمال قریب به یقین بدست تروریستهای قفقازی کشته می شد.

پس از خروج میرزا از رشت و ملحق شدنش به رفقای جنگل در قومنات ، نقشه اصلی کمونیستها (اجرای کودتای سرخ) آغاز شد. در روز نهم مرداد ۱۳۹۹ کلیه طرفداران میرزا در هر نقطه شهر که بودند توقیف و یکی دوتن از آنها در جریان زدو خورد کشته شدند. انبار اسلحه که در باغ مدیریه رشت حفاظت می شد به تصرف کمونیستهای مسلح درآمد. کودتا گران سپس برای دستگیر کردن خود میرزا به جنگل هجوم بردند ولی جنگلیها به دستور رهبر خود به اعماق جنگل عقب نشستند بی آنکه با قوای مهاجم روبرو گردند. ابراهیم فخرانی (از صاحب نظران طراز اول در وقایع مربوط به جنبش گیلان) در کتاب خود صریحاً می نویسد که کودتای رشت را **بولشویکین** ( نماینده سازمان پلیس مخفی شوروی ) اداره می کرد. اعضای دولت کمونیستی که در نتیجه این کودتا روی کار آمدند عبارت بودند از :

- |                           |                           |
|---------------------------|---------------------------|
| ۱- احسان الله خان         | رئیس الوزراء و وزیر خارجه |
| ۲- خالو قربان             | وزیر جنگ                  |
| ۳- سید جعفر معینی         | وزیر پست و تلگراف         |
| ۴- سید جعفر جوادزاده      | وزیر کوبه ای و وزیر راه   |
| ۵- آقا زاده               | وزیر عدلیه                |
| ۶- بهرام آقاییف           | وزیر محبه و امور اجتماعی  |
| ۷- حاج محمد جعفر کینکاوری | وزیر معارف                |

وزیر کشور این کابینه که همراه راسکالینکف وارد انزلی شده بود و به علت مرسوم نبودن نام خانوادگی در آن دوره خود را سید جعفر جواد اوف (یا جواد زاده) می نامید همان کسی است که شورویها ۲۵ سال بعد ، یعنی در پائیز سال ۱۳۲۴ شمسی او را دوباره برای انجام رسالتی دیگر وارد صحنه سیاستهای ایران کردند و بانام و عنوان سید جعفر پیشهوری در رأس حکومت متعاضد آذربایجان قرار دادند.

## اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا (جلد ۲)

### فهرست موضوعی

#### ۱- از سرپرسی کاکس (وزیر مختار بریتانیا در تهران) به لرد کوزن (وزیر خارجه بریتانیا) ۶/ ژانویه/ ۱۹۲۰

گزارشی است تلگرافی از سرپرسی کاکس به لرد کوزن دایره اظهار تمایل وثوق الدوله که نمایندگان بریتانیا در کمیسیون تجدید نظر در ترقه‌های گمرکی، نقشی کمبسته مشورتی را (برای راه‌نمایی دولت ایران به عهد گرفتن).

#### ۲- از مستر بومی (کارمند وزارت خارجه بریتانیا) به لرد کوزن ۶/ ژانویه/ ۱۹۲۰

یادداشت سیاسی برای معالجه لرد کوزن که در آن به پیشروی روسیه در آسیای مرکزی اشاره شده است.

#### ۳- از لرد کوزن به سرپرسی کاکس ۱۰/ ژانویه/ ۱۹۲۰

تعلیمات سیاسی به وثوق الدوله (توسط وزیر مختار بریتانیا در تهران) که از برسمیت شناختن مرکنسول افغان (عازم مشهد) خودداری و به او اخطار کنند که بهترینک به خاک کشوری بازگردد.

#### ۴- از مستر لیندسی (رایزن سفارت بریتانیا در واشنگتن) به لرد کوزن ۱۲/ ژانویه/ ۱۹۲۰

گزارشی است از مستر لیندسی به لرد کوزن دایره بر اینکه مجلس شای آمریکا قطعنامه‌ای تصویب و از وزارت خارجه آمریکا درخواست کرده است کلیه اسناد، مکاتبات و تلگرافاتی را که میان لندن و واشنگتن (درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس) رد و بدل شده است در اختیار مجلس سنا قرار دهند. استعلام از لرد کوزن که آیا دولت انگلستان (به عنوان طرف دیگر این مکاتبات) خواسته مجلس سنا را می‌پذیرد یا اینکه با آن مخالف است؟



### ۵- از سرپرسی کاکس به لرد کوزن ۱۷/ ژانویه/ ۱۹۲۰

گزارش مصاحبه وزیر مختار انگلیس با رئیس الوزرای ایران (وثوق الدوله) - تشریح نظرات وثوق الدوله برای لرد کوزن درباره پیشنهاد وی برای دفع حمله احتمالی شورویها به خاک ایران، و تاکید روی این مسئله که نقشه‌های دفاعی برای خنثی کردن این حملات باید به درنگ تنظیم گردد.

### ۶- از لرد کوزن به مستر لیندسی ۲۰/ ژانویه/ ۱۹۲۰

مخالف شدید با قطعنامه مجلس سنای آمریکا دایر به انتشار اسناد مبادله شده میان لندن و واشنگتن در باره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس و دادن مأموریت به مستر لیندسی که عین این نظر را به اطلاع مقامات رسمی وزارت خارجه آمریکا برساند.

### ۷- از لرد کوزن به سرپرسی کاکس ۲۶/ ژانویه/ ۱۹۲۰

تلگرافی است به سرپرسی کاکس دایر بر اینکه اجرای تصمیم اخیر شورای عالی متفقین (در باره ارسال کمکهای لازم به قفقاز) قاعدتاً باید خطر فوری حمله قوای شوروی را به خاک ایران رفع کرده باشد.

### ۸- از سرپرسی کاکس به لرد کوزن

گزارش مربوط به تصمیم کابینه ایران دایر بر ضمانت از ورود سرکنسول افغان به مشهد - استعلام وثوق الدوله از سرپرسی کاکس که در صورت حمله افغانها به خاک ایران (به دستاویز همین موضوع) دولت بریتانیا تا چه حد می‌تواند به ایران کمک کند.

### ۹- از سرپرسی کاکس به لرد کوزن ۲۹/ ژانویه/ ۱۹۲۰

پاسخ تلگراف لرد کوزن (موضوع سند شماره ۷) و اظهار نظر در این باره که صرف ارسال کمکهای متفقین به قفقاز، برای جلوگیری از حمله احتمالی قوای شوروی به ایران کافی نیست.

### ۱۰- از لرد کوزن به سرپرسی کاکس ۳۱/ ژانویه/ ۱۹۲۰

اعلام این نکته که حکومت انگلستان نمی‌تواند پیشنهادهایی را که متضمن شناسایی حق دولت ایران برای جرح و تعدیل قرارداد گسکی ۱۹۰۳ (همطور یکجانبی) باشد بپذیرد.

## ۱۱- از لورد کوزن به سرپرستی کاکس ۷/فوریه/۱۹۲۰

اعلام نظر رسمی وزیر خارجه بریتانیا که اقداماتی که متفقین برای دفاع از قفقاز پیشنهاد کرده‌اند، حد اعلائی کمکی است که امکانات مشترکشان در حال حاضر اجازه می‌دهد.

## ۱۲- از سرپرستی کاکس به لورد کوزن ۱۸/فوریه/۱۹۲۰

مخاطبه متن تلگراف فرمانده نوردر فورث به لندن - اعلام خطر از جانب فرمانده مزبور که در صورت افتادن نیروی دریائی روسیه به دست بالشویکها بندرانزلی در خطر حمله قوای سرخ قرار داد، درخواست اعزام افسران نیروی دریائی انگلیس به یادکوبه برای تجهیز کشتیها و نیروهای ضد انقلاب.

## ۱۳- از سرپرستی کاکس به لورد کوزن ۲۱/فوریه/۱۹۲۰

تاکید مجدد درباره خطر حمله قوای شوروی به ایران و تقاضای تجدید نظر در سیاست جاری بریتانیا نسبت به این کشور.

## ۱۴- از سرپرستی کاکس به لورد کوزن ۲۲/فوریه/۱۹۲۰

گزارشی است از سرپرستی کاکس دربارهٔ اخباری که به دست وی رسیده دایر بر اینکه حکومت افغانستان خیال دارد سفر عالیرتبه‌ای (برای عقد قرارداد سیاسی با حکومت ایران) به تهران گسیل دارد. وثوق‌الدوله (طبق گزارش کاکس) شخصاً بی‌میل نیست که سفر اعزامی را بپذیرد ولی قبل از دست زدن به هر اقدامی مایل است از نظرات حکومت انگلستان در این باره مسوق گردد.

## ۱۵- از لورد کوزن به سوجی، جودن (وزیر مختار بریتانیا در چین)

۲۷/فوریه/۱۹۲۰

دستور العملی است از لورد کوزن به وزیر مختار بریتانیا در پکن که در مسئله کمک به شهروندان افغانی مقیم چین کماکان بر مبنای همان تعلیماتی که سابقاً دریافت کرده‌است عمل کند.

## ۱۶- از لورد کوزن به سرپرستی کاکس ۲۸/فوریه/۱۹۲۰

محتوی دستور العمل رسمی برای سرپرستی کاکس به این مضمون: به رئیس

الوزرای ایران (و ثوق الدوله) بگویند به نظر دولت انگلستان بهتر است به سفیر کبیر افغانستان که در راه است اجازه ورود به خاک ایران داده شود مشروط بر اینکه (در صورت امکان) اسکورتی همراه نماید.

### ۱۷ - از سرپرسی کاکس به لرد کوزن ۲۸ فوریه / ۱۹۲۰

گزارشی است از وزیر مختار بریتانیا در تهران در باره پیشرفت موقوفات آمیز مذاکرات مربوط به تجدید نظر در تعرفه های گمرکی و اعلام این نکته که افزایش مالیات قند و شکر آنها مشکلی است که باقی مانده و هنوز حل نشده.

### ۱۸ - از سرپرسی کاکس به لرد کوزن ۲۹ فوریه / ۱۹۲۰

گزارشی است محتوی دلایل سرپرسی کاکس برای قبول طرح افزایش مالیات قند و شکر و پیش بینی مخالفتی که از جانب سرفرای دول خارجی مقوم تهران نسبت به امضای قرارداد جدید گمرکی میان ایران و انگلیس ابراز خواهد شد.

### ۱۹ - از لرد چلمز فورد (نایب السلطنه هند) به مستر مونتگومری (وزیر امور هندوستان در کابینه بریتانیا) ۳ مارس / ۱۹۲۰

نایب اخبار رسید از کاشغر که نیروهای سرخ به موقیتهائی در ترکستان مرکزی نایل شده اند و اعلام مضمون تلگرافی دیگر (از مسکو به تاشکند) که در آن سیاست جدید شوروی نسبت به ترکستان و افغانستان و ایران تشریح شده است.

### ۲۰ - از سرپرسی کاکس به لرد کوزن ۹ مارس / ۱۹۲۰

گزارشی است حاکی از ختم مذاکرات مربوط به قرارداد جدید گمرکی ایران و انگلیس و امضای متن قرارداد.

### ۲۱ - از سرپرسی کاکس به لرد کوزن ۱۱ مارس / ۱۹۲۰

تلگرافی است محتوی نظرات وزیر مختار انگلیس درباره ساختمان آبی راه آهن ایران و درخواست از لرد کوزن که نظرات کلر شانس انگلیسی در این باره به اطلاع وی برسد.

## ۲۲- اوسرپرسی کاکس به لرد کوزن ۱۱/مارس/۱۹۲۰

تاکید سخت و عاجلانه به حکومت بریتانیا که شرکت نفت ایران و انگلیس را وادار به خرید راه آهن بوشهر- بزازجان بکنند و نگذارند حکومت هندوستان (سازنده اصلی راه آهن مزبور) قطعات آن را از هم جدا و به هندوستان حمل کند.

## ۲۳- اوسرپرسی کاکس به لرد کوزن ۱۲/مارس/۱۹۲۰

درخواست رئیس الوزرای ایران از لرد کوزن که با استعاضه از برتباطات سیاسی اش با مسو سازاتق ( وزیر خارجه دولت مهاجر روسیه مستقر در پاریس ) مشارالیه را وادار به ارسال دستوری به ژنرال استراسلسکی (فرمانده کل لشکر قزاق ایران ) سازد که اگر خود را قادر به پذیرفتن طرح مشترک ایران و انگلیس برای ادغام کلیه نیروهای نظامی کشور نمیبیند از مقامش استعفا بدهد.

## ۲۴- اوسرپرسی کاکس به لرد کوزن ۱۲/مارس/۱۹۲۰

گزارشی است در بساره اوضاع وخیم نظامی ایران ، ارائه طرحهای لازم دفاعی برای مقابله با حمله احتمالی شورویها ، و ابلاغ درخواست و توقا الدوله به لرد کوزن که رویه دولت انگلستان را نسبت به ایران ( در صورت تهاجم شورویها ) علام دارد.

## ۲۵- اوسرپرسی کاکس به لرد کوزن ۱۳/مارس/۱۹۲۰

تلگرافی است از وزیر مختار بریتانوا در تهران دایر بر اینکه گزارش کمیسیون مختلط نظامی ایران و انگلیس ( مربوط به اجرای اصلاحات اساسی در ارتش ایران ) تکمیل شده و در شرف تسلیم به هیئت دولت است . اشاره مجدد به اشکالات ناشی از وجود نیروی قزاق و به مخالفت علنی فرمانده آنها ( ژنرال استراسلسکی ) با اصلاحات مورد نظر .

## ۲۶- اوسرپرسی کاکس به لرد کوزن ۱۶/مارس/۱۹۲۰

ارسال نظرات اعضای کمیسیون نظامی ایران و انگلیس به لندن و تشریح عقیده آنها برای لرد کوزن که بیرون بردن قوای نظامی بریتانیا از ایران علاوه بر این که اجرای طرح توسازی ارتش را جداً به خطر می اندازد ، در اوضاع داخلی کشور نیز تاثیر بدی خواهد داشت.

### ۲۷- از لود کوزن به سرپرسی کاکس ۱۶ / مارس / ۱۹۲۰

تلگرافی است از لرد کوزن به سرپرسی کاکس که در آن نظرات وزیر خارجه ایران (شاهزاده نصرت الدوله) دربارهٔ قرارداد جدید گمرکی ایران و انگلیس به اطلاع وزیر مختار رسیده و متقابلاً از او درخواست شده است نظرات خود را که چگونه می‌توان به ایرادات و کوشش‌های دولتهای خارجی در این زمینه پاسخهای قانع کننده داد به اطلاع مقامات لندن برساند.

### ۲۸- از لود کوزن به سرپرسی کاکس ۱۶ / مارس / ۱۹۲۰

در این سند وزیر خارجه انگلیس مخالفت کوشش‌ها را با احداث خط آهن تهران - اتزلی به اطلاع وزیر مختار می‌رساند و می‌نویسد که احداث خطوط دیگر بستگی به وضع مالی ایران خواهد داشت

### ۲۹- از لود کوزن به نصرت الدوله ۱۸ / مارس / ۱۹۲۰

درخواست تصامیم متن قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس به مجلس شورای ملی ایران (برای تصویب)

### ۳۰- از لود کوزن به سرپرسی کاکس ۲۰ مارس ۱۹۲۰

دستور دولت انگلستان به حکومت مرکزی هند که عیالاً دست به راه آهن بوتهر - برازجان نزنند و اعلام این موضوع به سرپرسی کاکس در تهران.

### ۳۱- از سرپرسی کاکس به لود کوزن ۲۱ / مارس / ۱۹۲۰

گزارشی است از سرپرسی کاکس به لود کوزن، به نقل قول از وزیر مختار بلژیک در تهران، که وزیر مختار فرانسه (سیویونن) خود او و نمایندگان سیاسی روسیه و آمریکا را تحت فشار قراردادهاست که متفقاً علیه قرارداد گمرکی جدید میان ایران و انگلستان اعتراض کنند.

### ۳۲- از سرپرسی کاکس به لود کوزن ۲۱ / مارس / ۱۹۲۰

تلگرافی است از سرپرسی کاکس به لود کوزن دایر بر اینکه خود وی و حکومت ایران مشغول ارسال تملیحات لازم به مدیران گمرک شهرستانها هستند که اجرای مقررات گمرکی جدید را تا اول آوریل ۱۹۲۰ به تأخیر اندازند.

## ۳۳- از لورد کوزن به سرپرسی کاکس ۲۲/مارس/۱۹۲۰

ابلاغ تصمیمات کمیته امور خاوری به سرپرسی کاکس توأم با جواب سئوالاتی که وثوق الدوله خواسته بود .

## ۳۴- از لورد کوزن به سرپرسی کاکس ۲۴/مارس/۱۹۲۰

در صورتی که رئیس الوزرای ایران (وثوق الدوله) حاضر باشد از قرارداد گمرکی جدید بهمین صورت فعلی اش دفاع کند، او (وزیر خارجه بریتانیا) امر آری به دادن تغییرات در متن قرارداد ندارد.

## ۳۵- از کنت داریبی (سفیر کبیر بریتانیا در پاریس) به لورد کوزن ۳۰/مارس/۱۹۲۰

گزارشی است از مصاحبه سفیر کبیر بریتانیا در پاریس با سلطان احمد شاه قاجار - لرد داریبی به لرد کوزن اطلاع می دهد که شاه از او خواسته است نظر دولت بریتانیا نسبت به بازگشتش به ایران هر چه زودتر اعلام گردد. نیز به حکومت ایران دستور داده شود که مقدمات و وسایل این بازگشت را فراهم سازند .

## ۳۶- از سرپرسی کاکس به لورد کوزن اول / آوریل / ۱۹۲۰

وزیر مختار - بریتانیا در تهران گزارش تغییراتی را که در کابینه وثوق الدوله صورت گرفته ، توأم با متن اعلامیه ریاست وزراء (در دفاع از سیاست کابینه اش) به اطلاع لرد کوزن رسانده است .

## ۳۷- از سرپرسی کاکس به لورد کوزن اول / آوریل / ۱۹۲۰

مضمم گزارش قبلی : شرح حوادثی که منجر به تغییرات اخیر در کابینه وثوق الدوله گردیده است .

## ۳۸- از سرپرسی کاکس به لورد کوزن ۲/آوریل/۱۹۲۰

گزارشی است از وزیر مختار درباره قرارداد جدید گمرکی میان ایران و انگلیس و اینکه چرا، به عقیده وی ، دولت های خارجی حق اعتراض در این زمینه ندارند .

## ۳۹- از سرپرسی کاکس به لورد کوزن ۵/آوریل/۱۹۲۰

گزارشی است از وزیر مختار بریتانیا دایر بر اینکه رئیس الوزرای ایران

(وثوق الدوله) خیال دارد مهمتی به مسکو بفرستد تا رویه و خطمشی کنونی دولت ایران را برای رهبران جدید روسیه تشریح کنند.

#### ۴۰- از سرپرسی کاکس به لرد کوزن ۹/ آوریل/ ۱۹۲۰

طرح مسئله بازگشت شاه به ایران، و اعلام این نکته که از نظر خود وی (وزیر مختار) و شخص رئیس الوزراء صلاح در این است که این بازگشت تا پائون به تاخیر بماند.

#### ۴۱- از سرپرسی کاکس به لرد کوزن ۹/ آوریل/ ۱۹۲۰

خلاصه ای است از پیشنهادهای کمیسیون مختلط نظامی برای نوسازی ارتش ایران تحت نظر افسران انگلیسی.

#### ۴۲- از لرد کوزن به سرپرسی کاکس ۹/ آوریل/ ۱۹۲۰

در این سند، به وزیر مختار بریتانیا در تهران مأموریت داده شده است این موضوع را به اطلاع حکومت ایران برساند که شرکت نفت ایران و انگلیس امتیاز نفت خوشناربا (مربوط به استخراج نفت در ایالات شمالی ایران) را خریده است و دولت بریتانیا از این معامله پشتیبانی می کند.

#### ۴۳- از لرد کوزن به لرد داربی (سفیر کبیر بریتانیا در پاریس) ۹/ آوریل/

۱۹۲۰

جواب سند شماره ۳۵- وزیر خارجه بریتانیا به لرد داربی اطلاع می دهد که پس از مشاوره قبلی با رئیس الوزراء و وزیر خارجه ایران (وثوق الدوله و نصرت الدوله) تصمیم بر این شده است که شاه در اوایل ماه مه به کشورش بازگردد. خطیر ملوکانه از راه بغداد- خاقلین - کرمانشاه تعیین شده، و هزینه سفر بازگشت نیز تامین گردیده است.

#### ۴۴- از لرد کوزن به سرپرسی کاکس ۱۰/ آوریل/ ۱۹۲۰

محتوی ماحصل مذاکرات وزیر خارجه انگلیس با وزیر خارجه ایران درباره موضوعات زیر:

- ۱- مسئله مشارکت آمریکا در برنامه عمران و نوسازی ایران -
- ۲- تمایل حکومت ایران به آغاز مذاکرات مستقیم با رهبران جدید روسیه،
- ۳- مسئله تسلیم قرارداد ۱۹۱۹ به مجلس شورای ملی ایران (برای تصویب).

### ۳۵- از لرد کوزن به سوپرسی کاکس ۱۱ / آوریل / ۱۹۲۰

جواب سند شماره ۳۹. در این تلگراف لرد کوزن مخالفت آشکار خود را با پیشنهاد وثوق الدوله (دایر به عقد قرارداد سیاسی با حکومت بالتویکی روسیه) اعلام و اضافه کرده است که عین این نظر را در لندن به اطلاع خود وزیر خارجه ایران (نصرت الدوله) هم رسانده است.

### ۳۶- از لرد داری به لرد کوزن ۱۳ / آوریل / ۱۹۲۰

گزارشی است دربارهٔ معاهده لرد داری با نصرت الدوله در پاریس. وزیر خارجه ایران به لرد داری قول داده است محتوای سعی خود را برای جلب رضایت سلطان احمد شاه بکاربرد تا اواخر بازگشتش را به ایران به تعویق اندازد. نیز ملتزمان رکابش را تقلیل دهد.

### ۳۷- از سوپرسی کاکس به لرد کوزن ۱۴ / آوریل / ۱۹۲۰

گزارشی است به این مضمون که رئیس الوزرای ایران (وثوق الدوله) این شایعه را که خیال دارد عهدنامه رسمی با حکومت بالتویکی روسیه ببندد جداً تکذیب کرده ولی در عین حال مؤکداً روی این نکته انگشت گذاشته است که کاپیت وی ناچار است با انتشار بیاناتی رویه حکومت ایران را در قبالدژیم جدید روسیه اعلام دارد.

در همین سند از دولت انگلستان درخواست شده است نظرات خود را بهتائیش به اطلاع وثوق الدوله برسانند تا او عین آن نظرات را در بیاناتی که قصد انتشارش را دارد منعکس سازد.

### ۳۸- از لرد داری به لرد کوزن ۱۵ / آوریل / ۱۹۲۰

گزارشی است درباره ملاقات لرد داری با نصرت الدوله (فهر روز میرزا) در پاریس که در ضمن آن شاهزاده به سفیر کبیر اطلاع داده است چون اعلی حضرت جداً تصمیم به بازگشت به ایران گرفته اند و در صورت مخالفت مقامات بریتانیا حاضرند حتی از سلطنت ایران استعفا بدهند. لذا بهتر است هیچ گونه تغییری در برنامه مراجعتشان (که برای اول ماه مه تعیین شده است) داده نشود.

### ۳۹- از لرد کوزن به سوپرسی کاکس ۱۷ / آوریل / ۱۹۲۰

پاسخ سند شماره ۴۷- وزیر خارجه بریتانیا (لرد کوزن) به سوپرسی کاکس اطلاع می دهد که در اوضاع و احوال فعلی دنیا، صدور بیاناتی از آن نوع که وثوق الدوله در نظر دارد صلاح نیست.



## ۵۰- از لورد داربی به لورد کوزن ۱۸ / آوریل / ۱۹۲۰

گزارشی است در باره ملاقات سفیر کبیر بریتانیا در پاریس با سلطان احمد شاه قاجار که در ضمن آن اعلیٰ حضرت قول موکد به وی (لرد داربی) داده است که پس از بازگشت به ایران، هم از کابینه و وثوق الدوله و هم از قرارداد ایران و انگلیس (قرارداد ۱۹۱۹) حمایت کند.

## ۵۱- از سرپرسی کاکس به لورد کوزن ۲۱ / آوریل / ۱۹۲۰

بعثی است در باره تلگراف لرد داربی (موضوع سند قبلی) مربوط به قول پشتیبانی از قرارداد که سلطان احمد شاه حضوراً در پاریس به وی داده بود. سرپرسی کاکس در تلگراف خود به وضع کنونی لشکر قزاق ایران اشاره می‌کند و از رئیس خود می‌خواهد توسط لرد داربی سلطان احمد شاه را وادار به منجاری امریه تلگرافی به ژنرال استراسلسکی بکند که پیشنهاد دولت را برای ادغام نیروهای قزاق و پلیس جنوب در همدیگر بپذیرد و دست از کلرشنکی بردارد. کابینه و وثوق الدوله (طبق گزارشی کاکس) تصمیم گرفته است اعم از اینکه اعلیٰ حضرت بخواهند یا نخواهند، این طرح را به معرض اجرا بگذارد.

## ۵۲- از لورد کوزن به لورد داربی ۲۴ / آوریل / ۱۹۲۰

در این سند، وزیر خارجه بریتانیا به لرد داربی دستور می‌دهد ماسخی خود را بکار اندازد تا سلطان احمد شاه درست به همان نحو که سرپرسی کاکس از تهران پیشنهاد کرده عمل کند و دستور تلگرافی برای ژنرال استراسلسکی بفرستد که با طرح دولت و وثوق الدوله (دایر به ادغام نیروهای قزاق و پلیس جنوب در هم) مخالفت نرود.

## ۵۳- از لورد داربی به لورد کوزن ۲۶ / آوریل / ۱۹۲۰

گزارشی است از جریان مصاحبه سفیر کبیر با احمد شاه در پاریس که در ضمن آن شاه ایران اصرار ورزیده است برای تعیین تکلیف لشکر قزاق و ادغام آن در پلیس جنوب، باید صبر کرد تا خود ایشان به ایران بازگردند. مع الوصف، موافقت اصولی خود را با پیشنهاد و وثوق الدوله اعلام و تلگرافی هم به همین مضمون به وی منجاری کرده است.

## ۵۴- از لورد کوزن به سرپرسی کاکس ۲۷ / آوریل / ۱۹۲۰

دستور العملی است برای وزیر مختار بریتانیا در تهران که با توجه به لجاجتی

که شاه در اتصال استراسلسکی و اذقسام لشکر قزاق در پلوس جنوب نشان می‌دهد، اکنون دیگر مخالفتی نیست که نقتة قبلی (پیشنهاد خود وزیر مختار برای توقیف و انفصال جبری استراسلسکی و سایر افسران روسی لشکر قزاق) به معرض اجرا گذاشته شود.

### ۵۵- از لرد آلن بی (از قاهره) به لرد کوزن ۷ / ۴۵ / ۱۹۲۰

تلگرافی است از لرد آلن بی (کمیسر عالی بریتانیا مقیم قاهره) که در آن پیام مشر نورمن ( وزیر مختار جدید بریتانیا در تهران عازم محل مأموریتش در همان کشتی حامل شاه ) برای لرد کوزن مختار به شده است به این مضمون که اعلی حضرت قول مؤکد شفاهی در کشتی به وی ( وزیر مختار) داده است که پس از ورود به تهران از قرارداد پشتیبانی کند و تمام خواسته‌های کابینه و ثوق الدوله (منجمله ادغام نیروی قزاق در نیروی پلیس جنوب) را به معرض اجرا بگذارد.

### ۵۶- از لرد داربی به لرد کوزن ۷ / ۴۵ / ۱۹۲۰

گزارشی است از سفیر کبیر بریتانیا در پاریس دایر به جریان مصاحبه‌اش با وزیر خارجه ایران (صورت الدوله). در این مصاحبه، فیروز میرزا قولی را که حکومت انگلستان قبلاً به وی داده بوده دایر بر اینکه پیش از تعیین مرزهای قطعی ترکیه در ایالت کردستان از وی ( وزیر خارجه ایران ) مشورت بعمل آید، از طریق لرد داربی به لرد کوزن یادآوری و درخواست ایقاعی آن قول را کرده است.

### ۵۷- از سرپرسی کاکس به لرد کوزن ۸ / ۴۵ / ۱۹۲۰

در این سند سرپرسی کاکس نظرات مستشار مالی (مستر آرمیتاژ اسمیت) را درباره کمکهای نقدی بریتانیا به ایران (به مآخذ ۴۵۰ هزار تومان در ماه) با ذکر این نکته که خودش نیز با نظرات مزبور موافق است به اطلاع لرد کوزن می‌رساند و اجازه می‌خواهد که فسط ماه مه را بپردازد.

### ۵۸- از لرد کوزن به لرد داربی ۸ / ۴۵ / ۱۹۲۰

جواب سند شماره ۵۶. در این سند لرد کوزن موادی را که در عهدنامه صلح متفقین با ترکیه (برای ترتیب اثر دادن به دعاوی ارضی ایران در مرزهای غربی اش) در نظر گرفته شده است برای سفیر کبیر بریتانیا در پاریس (لرد داربی) تشریح می‌کند.

### ۵۹- از سرپرسی کاکس به لرد کوزن ۹ / ۴۵ / ۱۹۲۰

در این سند، خلاصه اخباری که در آن اواخر به تهران رسیده بود، دایر به عملیات روسها در آستارا و لتکران، به اطلاع لرد کوزن رسیده و نسبت به وفاداری افسران قزاق ایران در آستارا اظهار شک و تردید شده است.

### ۶۰- از لرد کوزن به سرپرسی کاکس ۱۱ / ۴۵ / ۱۹۲۰

تلگرافی است از لرد کوزن به وزیر مختار بریتانیا در تهران دایر بر اینکه بهتر است تبلیغات متقابل برای خنثی کردن تبلیغات بالشیوکیها در ایران انجام گیرد. در این سند پیشنهاد شده است که یکی از اعضای سفارت بریتانیا در تهران حکومت ایران را در این زمینه یاری دهد.

### ۶۱- از لرد کوزن به مستر آلستن ( وزیر مختار بریتانیا در پکن ) ۱۲ / ۴۵ / ۱۹۲۰

در این سند، لرد کوزن به وزیر مختار بریتانیا در پکن دستور می دهد که عباتاً از صدور هر نوع بیانیه رسمی در باره وضع و موقعیت سیاسی افغانستان احتراز شود.

### ۶۲- از سرپرسی کاکس به لرد کوزن ۱۴ / ۴۵ / ۱۹۲۰

در این سند، وزیر مختار بریتانیا در تهران، پیام وثوق الدوله را به لرد کوزن می رساند که در آن رئیس الوزرای ایران نظراتش را در باره خطری که از ناحیه شورویها و ترکها متوجه مرزهای ایران در آذربایجان است ابراز و پیشنهادهای فوری برای جلوگیری از عواقب این وضع ارائه کرده است.

### ۶۳- از سرپرسی کاکس به لرد کوزن ۱۴ / ۴۵ / ۱۹۲۰

گزارشی است از وزیر مختار بریتانیا در تهران دایر بر اینکه مطبوعات ایران حاضر نیستند جواب سفارت بریتانیا را به مقاله های ضد انگلیسی ( که در آن از سیاست شورویها طرفداری شده ) انتشار دهند و برای مقابله با این وضع پیشنهاد کرده است که مقاله ای در رد مقاله های جراید ایران در روزنامه تایمز منتشر گردد و خبرگزاری رویتر متن یا عصاره مقاله را در اخبار تلگرافی خود ( که روزنامه های تهران از انتشار آن ناگزیرند ) بگنجاند.

## ۶۴- از سرپرسی کاکس به لرد کرزن ۱۴ / ۴۵ / ۱۹۲۰

در این سند پیشنهاد شده است که مضمون تلگراف دویتز (موضوع سند قبلی) چگونه و با چه لحنی تنظیم گردد.

## ۶۵- از لرد کرزن به سرپرسی کاکس ۱۴ / ۴۵ / ۱۹۲۰

جواب سند شماره ۵۷. در این سند لرد کرزن به سرپرسی کاکس اجازه می‌دهد که از مساعدت ماهیانه دولت بریتانیا به ایران، کل مساعدت ماه مه، نصف مساعدت ماه ژوئن، و ربع مساعدت ماه ژوئیه را (مشروط بر اینکه حکومت هندوستان نیز حاضر به پرداخت سهم ماهیانه خود از این مبلغ باشد) در اختیار دولت ایران قرار دهد. جز این در عرض ماههای پندی چیزی به ایران داده نخواهد شد.

## ۶۶- از لرد کرزن به سرپرسی کاکس ۱۴ / ۴۵ / ۱۹۲۰

در این سند، جریان مذاکراتی که در لندن بین وزیر خارجه ایران (نصرت الدوله) و رئیس هیئت مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس درباره افزایش حق‌السهم ایران صورت گرفته به اطلاع وزیر مختار بریتانیا در تهران رسیده و اظهار نظر شده است که حل اختلافات موجود به نفع هر دو طرف می‌باشد.

لرد کرزن ضمناً به سرپرسی کاکس اطلاع می‌دهد که سر جان سیمون (حقوقدان معروف انگلیسی) نیز پشتیبان دعاوی شرکت است و آنها را وارد می‌داند.

## ۶۷- از سرپرسی کاکس به لرد کرزن ۱۵ / ۴۵ / ۱۹۲۰

در این سند سرپرسی کاکس به ما فوق خود اطلاع می‌دهد که مستشار مالی انگلیسی (مستر آرمیتاز - اسمیت) سمت خود را در تهران تحویل گرفته و آغاز به کار کرده است. سپس نظرات او را نسبت به نحوه استفاده از وام دو میلیون لیره ای به استحضار لرد کرزن می‌رساند و اظهار امیدواری می‌کند که دولت انگلستان همچنان به کمکهای مالی خود به ایران (ناموقی که افزایش درآمدهای داخلی شروع نشده) ادامه بدهد.

## ۶۸- از سرپرسی کاکس به لرد کرزن ۱۵ / ۴۵ / ۱۹۲۰

در این سند سرپرسی کاکس اظهار اطمینان می‌کند که قرارداد ۱۹۱۹ ایران

و انگلوس از بحران حوادثی که در پی امونش ایجاد شده به سلامت خواهد گذشت و مجلس نیز سرانجام آن را (احتمالا با دادن تفهیرات جزئی) تصویب خواهد کرد.

### ۶۹- از لرد کوزن به سرپرستی کاکس ۱۸ / ۴۵ / ۱۹۲۰

لرد کوزن در این سند، با اشاره به مضمون اسناد ۶۵ و ۶۷، به وزیر مختار بریتانیا در تهران اطلاع می‌دهد که از خزانه داری بریتانیا و وزارت امور هندوستان هر دو با تاکید خواسته است پرداخت مساعده ماهیانه به دولت ایران را لااقل تا ماه سپتامبر ادامه دهند.

### ۷۰- از لرد کوزن به سرپرستی کاکس ۱۸ / ۴۵ / ۱۹۲۰

در این سند لرد کوزن آخرین تصمیمات کمیسیون امور خاوری را درباره وضع نظامی شمال ایران به اطلاع سرپرستی کاکس می‌رساند و نظرات او را در این باره می‌خواهد. در حاشیه این سند لرد هاردینگ (معاون ثابت وزارت خارجه بریتانیا) نظر خود را درباره عواقب وخیم تخلیه قزوین از قوای بریتانیا با کمال صراحت گوشزد کرده است (موضوع سند شماره ۷۱).

### ۷۲- از سرپرستی کاکس به لرد کوزن ۱۸ / ۴۵ / ۱۹۲۰

تلگرافی است از سرپرستی کاکس به لرد کوزن که در آن در نوشت تلگراف فرمانده نوپرفورث (ژنرال چمبرین) حاکی از پیاده شدن نیروهای بالشویک در انزلی و طرح تغلیب قریب الوقوع قوای بریتانیا از بندر مزبور، به اطلاع وزیر امور خارجه رسیده است.

### ۷۳- از لرد کوزن به نصرت الدوله ۱۹ / ۴۵ / ۱۹۲۰

در این سند لرد کوزن به نصرت الدوله اطلاع می‌دهد به قراری که شنبه ایشان (وزیر خارجه ایران) خیال دارند یادداشتی به دبیر کل جامعه تسلیم و در آن اعلام نمایند که قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس خدشه‌ای به حق حاکمیت ایران دارد نمی‌کند. لرد کوزن به نصرت الدوله می‌نویسد که به نظری تسلیم چنین یادداشتی به جامعه مثل نوعی دعوت غیر مستقیم از سازمان مزبور برای دخالت در روابط بین‌المللی ایران است و از فیروز میرزا سؤال می‌کند چه عملی باعث شده است که ایشان ناگهان به فکر تسلیم چنین یادداشتی افتاده‌اند.

## ۷۲- از لرد داریی به لرد کوزن ۲۰/۴۵/۱۰۲۱

در این سند لرد داریی (سفیر بریتانیا در یاریس) خلاصه تلگرافی را که وزیر خارجه ایران از تهران دریافت کرده است به اطلاع لرد کوزن می‌رساند. تلگراف وثوق الدوله ناگه داد بر خطراتی که از حوادث اخیر قفقاز (روی کل آمدن حکومت کمونیستی در آذربایجان روس) متوجه ایران است. وثوق الدوله در تلگرافی خود ضرورت اعزام سریع ژاندارم و مهمات به تبریز و تقویت قوای نظامی بریتانیا در ایران را نیز اعلام می‌دارد.

## ۷۵- از لرد داریی به لرد کوزن ۲۰/۴۵/۱۹۲۱

در این سند مضمون تلگرافی مجدد وثوق الدوله (از تهران) به فیروز میرزا (در یاریس) حاکی از ورود ناوگان سرخ به سواحل ایران، گلوله باران بندر انزلی، التیماتوم راسکالیتکف (فرمانده ناوگان سرخ) به مقامات ایرانی، و اعتراض دولت ایران علیه این حمله ناگهانی، همگی به اطلاع لرد کوزن رسیده است.

## ۷۶- از لرد داریی به لرد کوزن ۲۰/۴۵/۱۹۲۰

گزارشی است از جریان آخرین مصاحبه لرد داریی با وزیر خارجه ایران. لرد داریی به لرد کوزن اطلاع می‌دهد که نصرت الدوله يك فقره مراسله رسمی به دوبرکل جامعه ملل تسلیم و از تجاوز اخیر روسها به خاک ایران و گلوله باران انزلی شکایت کرده است. سفیر کبیر بریتانیا در تلگرافی خود (به لرد کوزن) این نکته را نیز اشعار می‌دارد که نصرت الدوله منتظر است انگلیسیها هر چه زودتر رهنمودهای لازم را در اختیار حکومت ایران قرار دهند.

## ۷۷- از لرد کوزن به سوپرسی کاکس ۲۱/۴۵/۱۹۲۰

در این سند لرد کوزن تصمیم کابینه بریتانیا را دایر به تخلیه بندر انزلی از قوای بریتانیا، و انتقال موقت آنها به قزوین، به اطلاع وزیر مختار انگلیس در تهران می‌رساند و اضافه می‌کند که نحوه خطر فعلی و پهنای دامنه آن، هنوز روشن نیست و از سوپرسی کاکس می‌خواهد به دولت ایران دلداری بدهد که در قبال اوضاع اخیر زیاده از حد بدبین نباشند و روحیه خود را نیازند.